

بورسی عوامل مؤثِّر گسترش تشیع و تمدن اسلامی ایرانی در زمان هجرت امام رضا (ع) به خراسان

منیزه محمدی

دانشجوی کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد نجف آباد، دبیر آموزش و پژوهش ناحیه یک، اصفهان، ایران

چکیده:

فرهنگ و تمدن اسلامی از عصر پیامبر(ص) شکل گرفته و با تلاش بی وقفه امامان معصوم(ع) و علمای دین به دیگر نسل‌ها ترویج یافت، یکی از این دوران که نقش مهمی در تمدن سازی ایران اسلامی دارد؛ زمان هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران میباشد، به گونه‌ای که در هیچ دوره‌ای از تاریخ اسلام به اندازه دوران امام رضا(ع) شاهد شکوفایی تمدن‌های اسلامی نیستیم و این عصر را عصر طلایی علمی نام داده‌اند. آن‌چه این هجرت را اصلی هم‌تراز با اصل جهاد در منطق اسلام قرار می‌دهد، آثار و نتایج حاصله از آن است که نهایتاً در خدمت تحقق اهداف و آرمان‌های اسلام قرار می‌گیرد؛ از این رو انتقال امام رضا(ع) از مدینه به مرو و حضور ایشان در خراسان و برآیندهای تمدن‌ساز آن را به عنوان یکی از مولفه‌های اصل هجرت مورد مطالعه قرار داد؛ زیرا آثار و نتایج حاصله از هجرت امام رضا(ع) با آثار و نتایجی که آموزه هجرت در منطق اسلام در پی تحقق آن است کاملاً تطابق دارد. پژوهش پیش رو با هدف شناسایی نقش هجرت امام رضا(ع) در گسترش تشیع، با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی در صدد است به معرفی عواملی که در زمان امام رضا(ع) منجر به پیشرفت تمدن اسلامی ایرانی گردید اشاره نماید.

واژگان کلیدی: هجرت، تمدن اسلامی، امام رضا(ع)، خراسان.

Factors contributing to the expansion of Shiism and the Islamic-Iranian civilization following the migration of Imam Reza to Khorasan

Manizhe mohammadi

Graduate student in Islamic Law and jurisprudence, Islamic azad University of Najaf Abad, and Secretary of Education District one, Esfahan, iran

Abstract

Islamic culture and civilization took shape during Prophet Mohammad's era and were transferred to the next generations thanks to the relentless efforts of the Imams and religious scholars. The period of time following the migration of Imam Reza to Iran was

الولیین گنگرده ملی تکنرود پژوهش

۳۷ مهر ماه ۱۳۹۳

First National Congress of
Religious thought and Research

one of the eras that played an important role in the formation of the Islamic civilization in Iran. This era has been dubbed the "golden scientific era" since no other era in the history of Islam has made so much contributions to the prosperity of Islamic civilizations as the Imam Reza era did. The impacts and outcomes of Imam Reza's migration, which ultimately led to the materialization of the goals and ideals of Islam, have in fact granted this migration a status equal to that of Jihad in the Islamic logic. Therefore, it is necessary to study Imam Reza's migration from Medina to Marv in Khorasan as well as the resulting outcomes that led to the creation of a civilization, because the impacts and outcomes of this migration fully correspond with the impacts and outcomes that migration-related teachings seek to materialize. The current study seeks to examine the role of Imam Reza's migration in the expansion of Shiism. It employs a descriptive-analytical approach to identify factors that contributed to the progress of the Islamic-Iranian civilization during Imam Reza's era.

Keywords: migration, Islamic civilization, Imam Reza, Khorasan

مقدمه:

از دوران مهمی که نقش در تمدن سازی اسلامی ایران دارد، زمان هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران میباشد. به گونه‌ای که در هیچ دوره‌ای از تاریخ اسلام به اندازه دوران امام رضا (ع) شاهد شکوفایی تمدن‌های اسلامی نیستیم «زیرا رواج نهضت‌های گوناگون علمی توسط بسیاری از دانشمندان و ترجمه علوم دینی به دیگر زبان‌ها باعث گردید تا عصر امام رضا(ع) را عصر طلابی علمی نام نهند» (سبحانی نژاد و نوروزی، ۱۳۸۸: ۳۸).

غالب اندیشمندان تکوین و تطور تمدن‌های بشری را متعاقب یک مهاجرت تاریخی ارزیابی می‌کنند. به باور آنان مهاجرت اقتصادی و نیازهایی ایجاد می‌کند که بشریت برای اجابت آنها دست به کوشش و ابتکار زده که حاصل جمع این تلاشها می‌تواند به مجموعه‌ای از مفاهیم ذهنی و خلاقیت‌های عینی بیانجامد که آن را «تمدن» می‌گویند. بر این حسب بسیاری از اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان پایه‌ریزی تمدنی که اینک تحت عنوان «تمدن اسلامی» شناخته می‌شود را محصول چند مهاجرت مهم در تاریخ اسلام می‌انگارند که نخستین و مهمترین آنها مهاجرت شخص رسول خدا(ص) و جمعی از اصحاب از مکه به مدینه بود که متعاقب آن هسته‌های اولیه حکومت اسلامی شکل گرفت. در حقیقت مهاجرت پیامبر(ص) در منظمه اسلامی، اصلی را تحت عنوان هجرت پدید آورد. اهمیت این اصل چنان است که در قرآن کریم هجرت در میان دو اصل ایمان و جهاد قرار گرفته است. چنان که در روایات و سیره معصومین(ع) نیز به این اصل عنایت ویژه‌ای صورت گرفته است.

بنابراین با توجه به شرایط و مقتضیاتی که امام رضا(ع) در سال ۲۰۰ هجرت در مدینه در آن قرار گرفتند و ناگزیر به عزیمت به سوی خراسان شدند، می‌توان گفت که حضور امام رضا(ع) در خراسان در چارچوب اصل اسلامی هجرت صورت گرفت. بنابراین حضور کوتاه مدت امام رضا(ع) در خراسان در گفتمان اصل هجرت به خوبی قابل بررسی است. گفتمانی که یکی از مولفه‌های آن تمدن‌سازی و فرهنگ‌پروری است. پژوهش حاضر بر این باور است که انتقال و حضور امام رضا(ع) از مدینه به مرو گرچه از حیث مبادی و کیفیت مهاجرت با هجرت‌های بزرگ انبیاء و اولیاء الهی بویژه هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه و هجرت حضرت علی(ع) از مدینه به کوفه و هجرت امام حسین(ع) از مدینه به کربلا تفاوت داشت، اما با این وجود هجرت امام رضا(ع) در قالب اصل کلان اسلامی هجرت قابل ارزیابی است.

لویین گنگره ملی تکریه و پژوهش

First National Congress of
Religious thought and Research

۳۷ مهر ماه ۱۳۹۳

در قالب این اصل تمدن‌سازی به عنوان مهمترین برآیند هجرت می‌تواند ابعاد و زوایای بسیاری پیدا کند. لهذا این نوشتار حضور امام رضا(ع) در خراسان را در چارچوب اصل اسلامی هجرت و با رویکرد تمدن‌سازی و گسترش تشیع در ایران مورد طرح و تحلیل قرار می‌دهد.

هجرت امام رضا (علیه السلام) و گسترش تشیع در ایران

امام رضا (علیه السلام) هشتمین امام شیعیان؛ بنا به درخواست و اجبار مأمون، خلیفه عباسی مدّتی را در ایران (مرو) حضور یافتند و در این مدّت عنوان ولایت‌عهدی مأمون را علی رغم میل باطنی خویش قبول کردند (اصفهانی، ۴۵۴). با توجه به اینکه تشیع و محبت به اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه و آله - از همان آغاز ورود اسلام و سپس در دوره اموی نفوذ چشمگیری در ایران و بالاخص در خراسان داشته ولی به خاطر خفقان موجود شیعیان نمی‌توانستند فعالیت علنی انجام دهند و این روند تا حضور امام رضا (علیه السلام) در ایران ادامه داشت.

حضور امام رضا(ع) در ایران بدین ترتیب سبب رواج تشیع گردید:

۱- با اینکه مأمون مسیر حرکت امام از مدینه به مرو را طوری تعیین کرده بود که امام رضا (علیه السلام) از مناطق شیعه‌نشین عبور نکند ولی با این وجود امام رضا (علیه السلام) در بین راه از آبادی‌های که گذر می‌کردند به ابراز احساسات مردم پاسخ می‌دادند و پاسخ مسائل شان را با سعه صدر بیان می‌کردند به طوری که رجاء بن ضحاک می‌گوید: در هیچ شهری از شهرها فرود نمی‌آمدیم، مگر آنکه مردم به سراغ او می‌آمدند و از او در مورد مسائلشان استفتاء می‌کردند و معالم دینی‌شان را می‌پرسیدند و او نیز احادیث زیادی از طریق آباء طاهرینش برای آنها نقل می‌کرد (غفاری، ۱۳۷۳: ۱۸۲).

معروفترین رویداد در این مسیر حرکت، خطبه حضرت رضا (علیه السلام) در جمع مردم نیشابور بوده که در آن جمع حضرت با بیان حدیث سلسله الذهب به حقانیت خویش و آباء و اجدادش تصویر می‌کنند و تعداد انبویی از علماء و طلاب آن را ثبت کرده و دهان به دهان پخش می‌کنند (عاملی، ۱۳۶۸: ۱۴۴).

مردمی که با امام آشنا می‌شدند و با رفتار حاکمان عباسی و اموی و سران قبایل عرب مقایسه می‌کردند، شیفته امام شده به تشیع می‌گردیدند. و اهل بیت - علیهم السلام - بیشتر شناخته می‌شدند.

۲- مقام علمی امام یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش تشیع به حساب می‌آید و همچنین ختنی کننده تمام نقشه‌های شوم مأمون. چرا که مأمون با دعوت از دانشمندان و نخبگان می‌خواست که امام در جلسات مناظره شرکت کرده و به سؤالاتی که از طرف علمای ادیان و مذاهب طرح می‌شد پاسخ دهد، البته انگیزه مأمون شکست دادن امام و کاستن از مقام علمی و جایگاه معنوی آن حضرت نزد شیعیان و سایرین بود ولی امام با شایستگی و برتری و سعه صدر به تمام مباحثی که مطرح می‌شد با دلایل متقن و محکم پاسخ می‌دادند و مباحثی نظری مباحثت امامت را پیش می‌کشیدند و راه و روش اسلام را درباره حاکمیت بیان می‌کردند (غفاری، ۱۳۷۳: ۲۷۲).

۳- در پی مهاجرت امام به ایران عده زیادی از فرزندان و نوادگان ائمه (علیهم السلام) نیز به ایران آمدند و در شهرها و مناطق مختلف و دور افتاده ساکن شدند که این امر هم باعث آشنایی مردم با فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) شد و موجب گرایش مردم به شیعه و گسترش و ترویج تشیع گردید. از طرفی هم، مأمون چون خود را طرفدار علیایان معروفی می‌کرد و فضای نسبتاً

الولیین گنگرده ملی تکفرو پژوهشی

First National Congress of
Religious thought and Research

۳۷ مهر ماه ۱۳۹۳

باز نسبت به خلفای پیش از خود به وجود آورده بود نمی‌توانست مانع از تبلیغ و ترویج تشیع شود و لذا با حضور امام رضا (علیه السلام) در ایران و مهاجرت عده‌ای از علویان فرصتی پیش آمده بود که اکثر مردم ایران و شهرهای شیعه‌نشین علناً به شیعه و علوی بودن خود افتخار کرده و آن را تبلیغ و ترویج می‌کردند (خواجویی، ۱۳۷۶؛ ۱۱۰: ۳۸۲ – ۳۸۳). (۱۳۷۳: ۳۸۳).

۴- تأثیر دیگر حضور امام در ایران و گسترش تشیع؛ کرد امام رضا (علیه السلام) بر طبق روش و سنت پیامبر عمل در عبادات بود. آنحضرت در مدتی که در خراسان بودند در اجرای عبادات سعی داشتند که روش و سنت نبوی (صلی الله علیه و آله) را زنده کنند و لذا وقتی مأمون از امام خواست تا نماز عید را بخواند حضرت طبق سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بدون تجملات شاهانه عمل کردند و تأثیر این مسئله در بین مردم به حدی بود که مأمون دستور داد امام را از نیمه راه برگرداندند (مجلسی، ۱۳۷۵: ۴۹۰).

۵- در مدتی که امام در مرو بودند با ارسال نامه‌هایی به اطراف و سران قبائل و تبیین جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) و بیان برخی مسائل کلامی و اخلاقی که میان شیعه و سنّی از مسائل اختلافی بود، (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۵۷) می‌خواستند مردم بیشتر با حقایق دین و قرآن آشنا شده و وحدت بین مسلمین برقرار شود. لذا این امر نیز باعث شد تعداد زیادی به تشیع گرایش پیدا کرده و موجب گسترش تشیع گردد.

بنابراین می‌توان گفت که از همان ابتدای ورود امام به ایران حضرت روشی را انتخاب کردند که ختنی کننده نقشه‌های مأمون باشد و لذا با وجود اینکه امام را از مناطق شیعه نشین عبور ندادند ولی باز هم امام در ارتباطی هر چند اندک که با مردم پیدا می‌کردند به سؤالات مردم با سعه صدر جواب می‌دادند و حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) را در مجالس مختلف بیان می‌نمودند و همچنین با پیروزی امام در جلسات مناظره علمی و عمل نمودن بر طبق سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در عبادات و ارسال نامه‌هایی برای سران قبائل مختلف و تشریح جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) موجب گسترش تشیع در ایران شدند. و همچنین با آمدن حضرت به ایران و ایجاد فضایی مناسب. عده‌ای از علویان نیز عازم ایران شدند و در مناطق مختلف مسکن گزیده و به تبلیغ و ترویج علنى تشیع و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) پرداختند که این امر نیز باعث گسترش تشیع در ایران گردید.

مفهوم هجرت

هجرت در زبان عرب به معنای بریدن و گستتن و ضد وصل است (ابن منظور، ۱۹۹۷: ۳۲)، چنان که نویسنده مجمع البحرين می‌نویسد: هجرت ترک دیار و خانمان و دودمان و رفتن از زمینی به زمین دیگر است (طربی، ۱۳۶۷: ۴۰۶)، ج ۲). با این تعریفات هجرت معنای نزدیک به «سفر» را پیدا می‌کند اما باید گفت که در اینجا مبادی و اسباب است که میان هجرت و سفر تمایز ایجاد می‌کند. در حالی که سفر عمده‌تا از روی اختیار صورت می‌گیرد اما در هجرت اضطرار و بعض اجبار نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند. ضمن آن که سفر کوچیدن موقت با قصد مراجعت است اما در هجرت ابتداءً چنین قصدى حداقل در کوتاه مدت وجود ندارد. هم‌چنین هجرت با واژه «هرب» که در تازی به معنای «فرار» است مغایرت دارد. هرب در حقیقت فرار از مشکلات و سختیهای اما هجرت رویارویی با مشکلات و استقبال از مخاطرات و چالشهاست. ضمن آن که در هرب انگیزه و هدف ارزشی وجود ندارد، اما هجرت بر اساس باور به یکسری ارزشها و تفاسیر از زندگی و اهداف عالیه صورت می‌گیرد. شهید مطهری با در نظرداشت چنین مولفه‌هایی هجرت را با ادبیات گفتاری چنین تعریف می‌کند:

لویین کنگره ملی تکریه شد

First National Congress of
Religious thought and Research

اگر بخواهیم هجرت را تعریف کنیم، هجرت یعنی حرکت کردن و کوچ کردن از وطن و دوری گزیدن از بار و دیار و همه را پشت سر گذاشتن برای نجات ایمان که معلوم است چنین چیزی نمی‌تواند از نظر منطق اسلام محدود به یک زمان معین و به یک مکان معین باشد ولی البته شرایطی دارد، وقتی که این هجرت یعنی دوری گزیدن از خانمان و از زندگی و از همه چیز دست شستیم برای نجات ایمان، پس معناش این است وقتی که ما در شرایطی قرار گرفته‌ایم که ایمانمان در خطر است، جامعه و اسلاممان در خطر است و امر دائر است که ما از میان خانه و زندگی یا ایمان یکی از این دو را انتخاب کنیم، به این معنا که یا در این خانه و لانه خودمان بمانیم و ایمانمان یا ایمان دیگران از دست برود، یا برای این که ایمانمان و اسلاممان را نجات دهیم، از خانه و زندگی خود صرف نظر کنیم، دومی را انتخاب می‌کنیم (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۸).

هجرت از مفاهیم استراتژیکی است که در منظومه تعالیم اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. در اهمیت این اصل همین بس که هجرت در اسلام مبنای تاریخ قرار گرفت و آیات قرآن کریم بر اهمیت آن در حیات انسانی تاکید نموده و آن را در کنار دو اصل مهم ایمان و جهاد قرار می‌دهد. با استناد به آیات ۷۲ و ۷۴ سوره انفال این حقیقت به وضوح تبیین شده است: «ان الذين آمنوا و هاجروا و جاهدو باموالهم و انفسهم فی سبیل الله و الذين آتوا و نصرعوا اولئک بعضهم اولیاء بعض...؛ آنانی که ایمان آورده و هجرت کرده و با اموال و جان‌های خویش در راه خداوند جهاد کرده‌اند و کسانی که (ایشان را) جای داده و یاری کرده‌اند، بعضی‌شان از بعض دیگر ارث می‌برند» (انفال/۷۲).

والذين آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله والذين آتوا و نصرعوا اولئک هم المؤمنون حقا لهم مغفرة و رزق كريم؛ و آنانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده‌اند و کسانی که (ایشان) را جای داده و یاری کرده‌اند، آنان به حقیقت همان مومنانند که (در بهشت) آمرزش و روزی فراوان دارند (انفال/۷۴)

و یا در آنجا که قرآن کریم هنگامی که شرایط زندگی انسانی را برای فرد مسلمان تنگ می‌بیند، او را از این که بی‌تفاوت و منفعل بنشیند و دم فرو بند منع نموده و به هجرت و ایجاد فضای جدید ترغیب می‌کند. آنجا که قرآن می‌فرماید:

ان الذين توفاهم الملائكة ظالمح انفسهم قالوا فيم كتم قالوا كنا مستضعفين في الأرض، قالوا إلم تكن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها فاولئك ماواهم جهنم و سائب مصيرا / بـيـ گـمانـ فـرـشـتـگـانـ بهـ كـسانـيـ كـهـ (بـرـايـ قـبـضـ رـوـحـ)ـ بهـ سـرـاغـشـانـ مـىـ روـنـدـ،ـ درـ حـالـيـ كـهـ (بـهـ خـاطـرـ هـجـرـتـ نـكـرـدـ)ـ بـرـ خـودـ سـتـمـ كـرـدـهـ آـنـدـ،ـ مـىـ گـوـيـنـدـ:ـ درـ چـهـ وـضـعـيـتـيـ بـوـدـيـدـ؟ـ گـوـيـنـدـ ماـ درـ زـمـيـنـ مـسـتـضـعـفـ شـدـهـ بـوـدـيـمـ.ـ فـرـشـتـگـانـ بهـ آـنـانـ گـوـيـنـدـ:ـ مـگـرـ زـمـيـنـ خـداـونـدـ پـهـنـاـورـ نـبـودـ كـهـ درـ آـنـ كـوـچـ كـنـيـدـ،ـ اـيـنـ جـايـگـاهـشـانـ دـوـزـخـ اـسـتـ وـ چـهـ بـدـ جـايـگـاهـيـ

است (نساء/۹۷)

به طور کلی مشتقات واژه «هجر» در قرآن ۱۸ بار به کار رفته که برخی از آنها در ذیل چند آیه تکرار شده است. تمام این واژگان بر اهمیت و ضرورت اصل هجرت در اسلام دلالت می‌کنند. به گفته دکتر شریعتی «وقتی صحبت از هجرت در قرآن و اسلام می‌شود مقصود تنها خبر از حادثه هجرت پیغمبر اسلام(ص) از مکه به مدینه نیست، بلکه هجرت چنان که از متن مربوط به هجرت بر می‌آید، یک اصل کلی اسلامی است در ردیف ایمان و جهاد و مخاطب آن همه انسان‌هایی هستند که به حقیقت پی بردن و به ایمان رسیدند و رسالت اصلاح جامعه و یا رهایی خودشان را در خود احساس می‌کنند. یکی از وظایف انسان، انسانی که مسلمان است، مهاجرت است در شرایط خاصی که آن را ایجاب می‌کند. بنابراین مهاجرت پیغمبر اسلام و یارانش از مکه به مدینه یکی از مصدقه‌های اصل مهاجرت در مکتب اعتقادی اسلام است و مهاجرت یک حکم کلی اعتقادی است و یک

الولیین کرده ملی تکنرود پژوهش

۳۷ مهر ماه ۱۳۹۳

First National Congress of
Religious thought and Research

رسالت اجتماعی برای انسانهایی که مسئولیت اجتماعی و یا مسئولیت فردی انسانی را در خود احساس می‌کنند و بر اساس یک مکتب اعتقادی حق این مسئولیت را باید انجام دهند» (شریعتی، ۱۳۸۹: ۲۷).

شهید مطهری ضرورت هجرت در اسلام را از این طریق اثبات می‌کند:

هجرت مانند جهاد اصلی است اسلامی، یعنی هجرت صرفاً یک حادثه تاریخی و مبدأ تاریخ اسلامی نیست. بلکه یک اصلی است نظیر جهاد. جهاد کوچک است و جهاد بزرگ. در قرآن کریم مکرراً این دو همراه یکدیگر ذکر می‌شوند. آن چنان که «صلات» و «زکات» دو برادرند و همراه هم، چنان که «ایمان» و «عمل صالح» و همچنین «امر به معروف» و «نهی از منکر» دو برادر یکدیگرند و در قرآن همدوش و همراه و توأم و دو قلو و همزادند. می‌توانیم بگوییم که هجرت و جهاد در اسلام دو همزادند چنان که می‌دانیم جهاد به فاصله کمی بعد از هجرت کبری تشرع شد (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۵۹)، ج ۷.

در حقیقت ضرورت تشرع اصل هجرت در اسلام مبتنی بر پاسداشت کرامت انسان است. چرا که زندگی در شرایط خفغان و پذیرش ظلم و ستم منافی با روح آزادگی انسان و کرامت ذاتی اوست. بنابراین همان‌گونه که حراست از حرمت و کرامت انسان ضروری است، به تبع آن هجرت می‌تواند واجب تشریعی باشد. حضرت علی(ع) در نهج البلاغه می‌فرمایند:

والهجرة قائمة على حدتها الاول، ما كان الله في أهل الأرض حاجة من مسترّ الامه و معلنها، لا يقع الاسم الهجرة على احد الا بمعرفة الحجة في الأرض فمن عرفها و اقر بها فهو مهاجر و لا يقع اسم الاستضعفاف على من بلغته الحجة فسمعتها اذنه و وعاها قلبها / هجرت بايسته هماره استوار است تا آنک که خدای را با زمینیان کاری نهان یا آشکار است. نام هجرت بر کسی راست ناید مگر با شناختِ حجت در زمین. پس هر که شناختش و به آن گردن نهاد او مهاجر است و نام مستضعف کسی را راست ناید که حجت رسدش و گوشش شنودش و دلش پذیردش (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۸۹: ۴۶۷)

از منظر تاریخی نیز در اسلام مساله هجرت در قرآن و سیره پیامبر(ص) نه یک واقعه بلکه یک اصل بزرگ اجتماعی است در حقیقت هجرت درخشش‌ترین برنامه‌ای بود که در اسلام پیاده شد و سرآغاز فصل نوبنی از تاریخ اسلام قرار گرفت. مسلمانان تا در مکه بودند و دوران آموزش خود را می‌دیدند، در ظاهر هیچ‌گونه قدرت اجتماعی و سیاسی نداشتند، اما پس از هجرت بلاfacسله دولت اسلامی تشکیل شد و با سرعت فراوان در همه زمینه‌ها پیشرفت کرد و اگر مسلمانان به چنین هجرتی دست نمی‌زدند، نه تنها اسلام از محیط مکه فراتر نمی‌رفت، بلکه ممکن بود در همانجا دفن و فراموش شود (عارفی مزاری، ۱۳۶۸: ۱۶۵).

مفهوم تمدن

«فرهنگ» و «تمدن» دو مفهوم قرین هماند. لذا پژوهشگران در گذشته میان آن دو تفاوت چندانی قابل نبودن. آنان فرهنگ و تمدن را مجموعه عناصری می‌دانستند که جامعه انسانی برای رشد و توسعه آن‌ها نیازمند است؛ مانند علم، اعتقاد، اخلاق، قانون و... اما امروزه تا اندازه‌ای میان فرهنگ و تمدن تمایز مفهومی پدید آمده، و عموماً تمدن به عنوان برایند فرهنگ انگاشته می‌شود. لهذا تا فرهنگ عمومی جامعه در جهت کمال چهار تحول مثبت نشود، طبیعه تمدن پدیدار نمی‌گردد. با این وجود، نمی‌توان تمدن را بدون تکیه بر عنصر فرهنگ تعریف نمود. از جمله: «تمدن خلاقیت فرهنگی است که نتیجه وجود نظم اجتماعی و حکومت قانون و رفاه نسبی است». به عبارت ساده‌تر «تاریخ تمدن هر قوم و ملتی عبارت از کوشش‌ها و خلاقیت‌هایی است که افراد آن قوم یا ملت در طول تاریخ حیات خود جهت بیرون آمدن از سادگی و بی‌ثباتی و وارد شدن در صحنه حیات اجتماعی

اولین کنگره ملی تکریه شنیدن

First National Congress of
Religious thought and Research

۳۷ مهر ماه ۱۳۹۳

و پیشبرد برخی اهداف جمعی به کار بردند» (حلبی، ۱۷-۱۸: ۱۳۶۵)، چنان که ویل دورانت نیز تمدن را با محوریت فرهنگ تعریف می‌کند: «تمدن را می‌توان شکلی کلی آن عبارت از نظمی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» (دورانت، ۱۳۸۲: ۳).

براساس تعاریف فوق «فرهنگ» رکن اصلی تمدن را می‌سازد اما علاوه بر آن تمدن از سه رکن دیگر نیز بهره‌مند است: ۱- مناطق جغرافیایی؛ که تحولات طبیعی و بشری را در بر می‌گیرد. ۲- دین؛ مجموعه عقاید و روش در باب روابط انسان با مبدأ و وجود خویش و الزام به مقتضای آن عقاید. ۳- اخلاق؛ خلق و خواهایی که سرشت درونی انسان را آراسته و در معرض قضاوت قرار می‌دهد (زارعی، ۳۷-۴۵: ۱۳۸۵).

هجرت و ایجاد تمدن

بی‌گمان یکی از دلایل تاکید اسلام بر هجرت - صرف نظر از موضوع نجات شخص مهاجر از شرایط طاغوتی و مخاطراتی که او را تهدید می‌کند. آن است که اصل هجرت ارتباط وثیقی با تمدن‌سازی دارد. در واقع سکون و ایستایی انسان را به روزمرگی کشانده و انگیزه و اراده او را به تحلیل می‌برد. بنابراین با قرار گرفتن انسان در شرایط و محیط جدید اقتضائات خاصی بر او تحمیل می‌شود و او برای سازگار نمودن خود با شرایط جدید ناگزیر می‌شود دست به تلاش زده و از امکانات موجود به نحو شایسته‌ای در راستای بهبود شرایط زندگی‌اش استفاده کند. از اینجاست که قدرت خلاقیت و نوآوری انسان مهاجر نظامی از زندگی اجتماعی بوجود می‌آورد که اگر مدتی مديدة و توالی نسلها بر آن بگذرد، می‌تواند به عنوان یک تمدن و فرهنگ جدید و متمایز از سایر فرهنگ‌ها و تمدنها معرفی شود. دکتر شریعتی در رابطه با هجرت و تمدن‌سازی معتقد است: هجرت یک عامل سازنده تمدن، فرهنگ و اجتماع تازه است و بزرگترین عامل کوبنده کهنگی، انجاماد و سنت‌های موهوم منعقد شده و بازکننده روح‌های بسته است... یک قانون کلی وجود دارد و آن این است که در تاریخ بشر هیچ تمدنی (از تمدن‌های مستقل درخشنان مشخصی که تاریخ تمدن امروز آن را یک تمدن می‌شناشد) نیست که متعاقب یک مهاجرت نباشد. ۲۷ یا به تعییری ۲۹ نوع تمدن در تاریخ بشری از ۵۰ هزار سال پیش اکنون که اثری از تاریخ انسانی در نوعیت فعلی است شناخته شده و این ۲۹ نوع تمدن همه از اولین تمدن بدواری نیمه وحشی یا وحشیهای کامل که وارد تمدن می‌شوند (یعنی اولین خشت بنای فرهنگ و تمدن را می‌گذارند) تا آخرین تمدن امروزی که در تاریخ تکوین و شکل گرفته همه بدون استثنای بعد از یک مهاجرت بودند (شریعتی، ۹: ۱۳۸۹).

اگر به تاریخچه تکوین و تطور تمدن‌هایی مانند تمدن آمریکای جدید، تمدن اروپای جدید، یونان، روم، چین، هند، بین‌النهرین، سومر، آکاد، بابل و امثال این‌ها نگاهی بیندازیم، درخواهیم یافت که همگی در پی مهاجرت قومی از سرزمینی به سرزمین دیگری به وجود آمده‌اند. مثلاً تمدن «بین‌النهرین» در پی کوچ مهاجران «آرامی» به قولی از عربستان و به قولی دیگر از نقاط شمالی به عراق فعلی به وجود آمد؛ مهاجران در آنجا تمدن عظیم آشوری و آکادی و بابلی و از همه بزرگتر تمدن سومری را تأسیس نمودند. یا مثلاً آریایی‌ها از نواحی شرقی همراه با برخی از قبایل دیگر در قسمت غربی دریای خزر به هند کوچ کردند و تمدن بزرگ «هند»؛ یعنی فرهنگ، ادبیات، هنر و مذهب هند را به وجود آورده‌ند. گروهی دیگر از این قبایل به خراسان آمده و تمدن «پارس» را بنا نهادند و گروهی دیگر به فارس آمدند و «خامنشیان» و «ساسانیان» را ساختند، گروهی دیگر به نواحی آذربایجان و غرب ایران آمدند و تمدن عظیم «مانها» و «مادها» را بنا نهادند و گروهی دیگر به یونان کوچ کردند و تمدن «یونان» را

الولیین کرده ملی تکنرود پژوهش

۳۷ مهر ماه ۱۳۹۳

First National Congress of
Religious thought and Research

تأسیس نمودند و عده‌ای دیگر به غرب رفتند و تمدن «روم» را ساختند. همه تمدن‌های فوق الذکر را آریانی‌ها بعد از کوچ خویش بنا نهاده‌اند. آخرین تمدن نیز که تمدن آمریکای جدید[آمریکای شمالی] است به وسیله مهاجران اروپایی شکل گرفت. هم‌چنین تمدن‌هایی که توسط انبیاء الهی ساخته شده‌اند، ماحصل یک مهاجرت تاریخی بوده است. اگر بخواهیم از منظر زندگی انبیاء به این پدیده نگاه کنیم، به طور خیلی روشن در زندگی همه آنان با اصل هجرت مواجه می‌شویم. از هبوط حضرت آدم گرفته که به نحوی می‌توان آن را در همین مقوله تفسیر کرد تا داستان طوفان نوح و سفر آن حضرت با کشتی و در نهایت تقسیم انسانها در جای جای زمین. یکی از مهمترین و روشن‌ترین سفر انبیاء هجرت ابراهیم(ع) است که قرآن بیان می‌کند: «انی مهاجر الى ربی انه هو العزيز الحكيم» (عنکبوت ۲۶) این روند تا زمان پیامبر اعظم(ص) نیز ادامه یافت. واقعه هجرت ایشان برای مسلمانان به حدی عظیم و جدی است که آن را مبنای تاریخ مسلمین قرار داده‌اند. این مسئله اهمیت هجرت رسول خدا(ص) و تاثیرات آن را در اشعه و گسترش تمدن اسلامی به خوبی منعکس می‌کند. «قبل از هجرت رسول خدا به مدینه، آن منطقه یثرب نامیده می‌شد که بعد از هجرت به «مدینه الرسول» و یا «مدینه طیبه» یعنی شهر پیامبر و یا شهر پاک تغییر نام پیدا نمود و به تدریج با تخفیف به مدینه معروف شد. «یثرب» به معنای لوم، ملامت و پرخاشگری است و مدینه از تمدن و مدنیت است که متضمن فرهنگ متعالی، مدنیت، و پیوند اجتماعی است و در کل پیام جامعه مدنی را در بردارد. به خصوص این که با کلمه «طیبه» یعنی پاکی و پاکیزگی توصیف شده است (هاشم‌زاده هریسی، ۱۳۸۳).

موضوع هجرت و تغییر مکان جغرافیایی، موضوع مهمی در زندگانی ائمه اطهار(ع) نیز بوده است. این که در زمان امیرالمؤمنین(ع) کوفه پایتخت و مرکز حکومت اسلامی تلقی می‌شود، یک موضوع ساده و اتفاقی نبود، بلکه دقیقاً بر اساس یک سری محاسبه‌های است که کوفه مرکز تجمع شیعیان می‌شود. در آن روز شام یک وضعیت خاصی داشت و حجاز هم از وضعیت دیگری برخوردار بود. پس از این واقعه ما با یکی از مهمترین هجرت‌های تاریخی که مربوط به حضرت سیدالشهداء است مواجه می‌شویم. شکل‌گیری حادثه عاشورا که با هجرت حضرت امام حسین(ع) از مدینه آغاز شد، از مهمترین مقاطع تاریخ باشیم (همایون، ۱۳۸۵: ۵۶)، در نگاه توینی از فیلسوفان معاصر علم تاریخ «هجرت چشمۀ زاینده امامت است». او می‌گوید: «عضوهایی از برخی از تمدنها اغلب هنگامی نفوذ و بها می‌باشد که برای مدتی از جامعه خود هجرت کنند» (سروش، ۱۵: ۱۶). (۱۳۷۵)

بنابراین هجرت در فراغنای تاریخی خود از چند جهت قابل توجه است. حضرت ابراهیم(ع) این بزرگ‌مرد مهاجر تاریخ با بنای کاخ توحید در سرزمین مکه، از یک سو بنای یگانه‌پرستی را گذاشت و از سوی دیگر طرح آغازین بزرگ‌ترین تمدنها را در انداخت. چنین است که به گفته دکتر شریعتی «هجرت موتور محرک تاریخ است» (شریعتی، ۱۳۸۹: ۲۷) و «تازیانه هجرت در سیر زمان و بر روی زمین درون‌های خفته و منجمد را به حرکت درآورده است» (شریعتی، ۱۳۴۷: ۴۰۷).

مهاجرت امام رضا(ع) به خراسان و ایجاد تمدن

حضور امام رضا(ع) در خراسان بسیار کوتاه (نزدیک به سه سال) بود اما در همین مدت حضرت رویکردی را در پیش گرفتند که نتایج آن قرن‌ها بعد در تکوین تمدن شرق اسلامی به ثمر نشست. بی‌گمان اگر حضور امام رضا(ع) در خراسان نبود، اینک شرایط تمدنی و فرهنگی بسیاری از مناطق شرق اسلامی از جمله ایران چنین نبود.

الولیین گنگ کرده ملی تکنرود پژوهش

First National Congress of
Religious thought and Research

۳۷ مهر ماه ۱۳۹۳

این در شرایطی است که شکل و کیفیت مهاجرت امام رضا(ع) با هجرت انبیا و سایر ائمه(ع) متفاوت بود. از اینجاست که هنر بزرگ امام رضا(ع) در تفسیر و تلقی جدید از اصل هجرت روشن می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که گرچه هجرت امام رضا(ع) با هجرتهای بزرگ گذشته متفاوت بود، اما حضرت انتقال اجباری‌شان به خراسان را به گونه‌ای تفسیر نمودند که اهداف و آثار اصل اسلامی هجرت را در پی داشته باشد. یکی از مهمترین آثار اصل اسلامی هجرت (چنان که پیشتر گذشت) تمدن‌سازی است. بر اساس تلاش بی‌وقفه امام رضا(ع) در تبلیغ احیای دین و توجه خاص او به فراغیری علم و دانش باعث گردید تا مسلمانان، از جمله ایرانیان با ورود امام(ع) به ایران در زمینه‌های مختلف گسترش پیدا کنند که مهمترین مولفه‌ها و عناصر تمدن‌سازی هجرت امام رضا(ع) عبارتند از:

۱- تقویت جریان عقل محور

محیطی که امام رضا(ع) در مرو در آن قرار گرفته بود، با محیط مدینه تفاوت داشت. شرایط خراسان بویژه مقر حکومت عباسیان در مرو شدیداً چند فرهنگی بود. در مرو آن روزگار پیروان ادیان و آیینهای زرتشتی، مسیحیت، یهودیت، مانویان، مزدکیان، بوداییان، ادیان ابتدایی، و ادیان هندی علاوه بر فرق مختلف اسلامی حضور داشتند (علوی، ۵۳-۶۸: ۱۳۷۹) و اندیشمندان پیوسته در راستای جلوه دادن حقانیت عقایدشان تلاش می‌کردند. در چنین فضایی امام رضا(ع) دریافتند که مواجهه با پیروان ادیان و آیین‌ها بدون ایجاد مخرج‌های مشترک مبتنی بر مبانی عقل محور نتیجه‌بخش نیست. لذا حضرت در گفت‌گوهای علمی با رجال و دانشمندان فرق و ادیان مختلف مباحثاتشان را بر امورات فهم‌پذیر عقلی استوار می‌نمودند و ابتداءً از ورود به آموزه‌های نقلى و وحیانی ابا می‌ورزیدند.

بر این حسب می‌توان گفت که امام رضا(ع) در شکوفایی عقل گرایانه معارف اسلامی نقش بسیار مهمی داشتند، به طوری که با توجه به کم شدن تعداد بزرگان و علماء و جوان بودن دین اسلام در مقابل ادیان دیگر، اگر حضور ایشان نمی‌بود، مشخص نبود که با آن هجمه‌ای که از سوی اندیشمندان سایر ادیان به اسلام می‌شد چه بر سر اسلام می‌آمد. بنابراین امام از یک سو با ارایه دلایل محقق و عقلی معارف اسلامی را توجیه و اثبات می‌کردند و از سوی دیگر جریان اعتزال را که به عقل گرایی افراطی مبتلا بود، با پیامهای عقل گرا کنترل می‌کردند (محرمی، ۱۳۸۵: ۵۰). چنین شد که جریان عقل محوری اندیشه اسلامی در خراسان پدید آمد که بیشترین عقلانیت در خدمت شریعت در ذیل آن واقع شد.

۲- شکوفایی نهضت علمی - فرهنگی

علی بن موسی‌الرضا(ع) سرچشمه جوشان علم و معرفت بود که برای تحقق اهداف تعالی اسلام و هدایت امت اسلامی به فرهنگ و تمدنی که جد بزرگوارشان رسول اکرم(ص) بنا نهاده بود، از هیچ کوششی دریغ نورزید و در اثر تلاش آن حضرت موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جریان تشیع در عصر رضوی به چنان حد از کمال رسید که امام رضا(ع) نه تنها از سوی شیعیان به عنوان امام و رهبر مسلمانان شناخته می‌شد، بلکه رژیم عباسی را نیز واداشت تا به مقام والای او اقرار نماید و او را به منصب حکومتی نصب کند.

با توجه به نفوذ بر مکیان در دستگاه عباسی، گرچه شرایط علمی و فرهنگی خراسان اعتلا یافته بود تا این که با خلافت مامون عباسی علم و فرهنگ در خراسان نُضج پیدا نموده بود، اما با حضور امام رضا(ع) در مرو شرایط علمی و فرهنگی هم از لحاظ کمیت جهش قابل ملاحظه‌ای یافت و هم از لحاظ کیفیت امام رضا(ع) مباحثات علمی را که پیشتر غالب بر طبیعت و

الولیین گنگرده ملی تکفرو پژوهش

۳۷ مهر ماه ۱۳۹۳

First National Congress of
Religious thought and Research

اکتشاف راز و رمز جهان و عقاید خرافی و انحرافی مبتنی بود در جهت مباحثی همانند توحید، فلسفه آفرینش و سرنوشت انسان تغییر داد.

۳- شکوفایی نهضت ترجمه:

آن چه نهضت ترجمه خوانده می‌شد اگر چه پیش از حضور امام رضا(ع) در خراسان وجود داشت اما با ورود امام رضا(ع) به خراسان و حضور ایشان در محافل علمی و فکری و گشوده شدن فضای مناظرات و مباحثات میان اندیشمندان ادیان و فرق، نهضت ترجمه به سرعت تقویت شد. با ورود اندیشه‌های یونانی پیرو ترجمه کتابهای اندیشمندان یونان باستان، موجب پیدایش سوالات جدی بود که ائمه(ع) و امام رضا(ع) برای رفع شباهات القایی ناگزیر بودند که به آنها پاسخ دهند. همین مسئله اقبال به ترجمه آثار غیراسلامی را بیشتر می‌نمود. به هر حال حضور امام رضا(ع) در خراسان نهضت ترجمه را تقویت نمود و موجب شد تا علوم یونانی در جهان اسلام بیش از پیش گسترش یافته و مورد توجه دانشمندان اسلامی قرار گیرد و با دقت نظر و افزایش و کاوش‌هایی در فرهنگ و تمدن اسلامی ذوب شود.(سیدکباری، ۱۳۸۰: ۲۴).

۴- رونق یافتن روش گفتگو و مناظره

پیش از ورود امام رضا(ع) به مرو مسایل و موضوعات بسیاری در موضوعات کلامی و فلسفی میان ارباب فرق و ادیان مختلف لایحل باقی مانده بود. مامون عباسی که خود علاقه وافری به مباحثات علمی و اعتقادی داشت، حضور امام(ع) را در مرو مغتمم دانست. او به صورت منظم مناظره‌هایی را ترتیب می‌داد که شخصیت محوری آن امام رضا(ع) بود. در این که مامون از جلسات مناظره چه اهدافی را تعقیب می‌نمود، مجال شکافت آن در اینجا نیست. اما مهم آن بود که مامون با فراخواندن علماء، ادباء، دانشمندان، متکلمان، متفکران و پیروان ادیان و مذاهب، موضوعات اعتقادی و فقهی و احیاناً ادبی را به بحث می‌گذشت. «روش امام رضا(ع) در این گفت و گوها حکیمانه و توأم با اندرز و یا جدل منطقی بود به گونه‌ای که با بیان استوار امام(ع)، مخاطب گاه به حقیقت راه می‌یافتد و یا از پافشاری بر رای خود باز می‌ایستاد... سنت مناظره در ان زمان چنان پر رونق بود که برخی از محدثان شیعی کتابهایی با عنوان «مجالس الرضا مع الادیان» و «مناظرات علمی امام رضا(ع)» تدوین کرده بودند (نجاشی، ۳۷: ۵۶-۱۴۰۷).

از جمله اقدامات امام رضا(ع) تشکیل مناظره‌های مختلف با بزرگان و رؤسای فرق ادیان مختلف بوده است که با توجه به آنچه که در تاریخ ثبت شده است مناظرات امام در مقابل سه گروه بوده است «ملحدان، اهل کتاب و متکلمان دیگر فرق اسلامی» (مجلسی، ۱۳۷۵: ۱۷۳).

از طرفی روش مناظره امام(ع) زبانزد عالمیان بوده زیرا ایشان علاوه بر استدلالهای عقلانی و منطقی با عمل، تواضع و ادب خویش به انتقال اعتقدات دینی و مذهبی خویش می‌پرداخت که از جمله می‌توان به مناظره با «عمران صائبی» اشاره نمود. «عمران صائبی» که از علمای زبردست بود در مناظره به امام گفت: «من با افراد زیادی در کوفه و بصره بحث کرده‌ام ولی کسی توانسته به من ثابت کند که این جهان خدای واحدی دارد. شما نیز برای من ثابت کنید» (مجلسی، ۱۳۷۵: ۱۷۳).

تا اینکه امام(ع) در مباحثه با او آنقدر از صفات و ویژگیهای خداوند گفت که سرانجام عمران گفت: «شهادت می‌دهم که الله همانگونه است که شما وصف کردید و او را یگانه شمردید؛ و شهادت می‌دهم که محمد(ص) بندی اوست که به دین حق و هدایت از جانب او مبعوث شد». او از جمله کسانی است که بعدها در دفاع از اسلام با علمای ادیان دیگر به مناظره می-

الولیین گنگ کرده ملی تکفرو پرسنل

First National Congress of
Religious thought and Research

پرداخت. بدین طریق مناظرات امام (ع) در تاریخ بی نظیر است، به گونه ای که بعدها مأمون به دلیل فریقته شدن مردم به بیانات امام (ع) دستور لغو این جلسات را صادر نمود (مجلسی، ۱۳۷۵: ۱۷۳)..

۵- توسعه مرز جغرافیایی شیعه

یکی از آثار مهاجرت امام رضا(ع)، جابجایی مرز جغرافیای شیعه است. در حقیقت وقی حضرت رضا(ع) به ایران وارد شدند، شیعه دارای کانون جغرافیایی گردید. امّتی که در یک نقطه تمرکز جغرافیایی ندارد، بسیاری از امکانات اجتماعی را از دست می‌دهد. هجرت امام رضا(ع) غالب شیعیان را در ایران متمرکز کرد. تا این که رفته رفته با فروپاشی عباسیان، دولت پادشاهی شیعی با زمامداری صفويه آغاز شد. بنابراین، شیعه به نقطه‌ای رسید که از فرهنگ مدون، کانون جغرافیایی مقدر و روحانیت متمرکز برخوردار شد و در درازمدت تمدنی را بوجود آورد که تحت عنوان «تمدن شیعی» شناخته می‌شد.

به عبارت دیگر هجرت حضرت رضا(ع) رسالت رسانه‌ای در ترویج و اشاعه آموزه‌های مکتب شیعی ایجاد نمود (عبدالخالقی، ۱۳۸۶) بنابراین با حضور امام رضا(ع) و تثبیت موقعیت جریان شیعی که توسط ایشان وارد خراسان شد، سایر جریانات اعتقادی و کلامی و غیراسلامی رو به زوال گذاشت و در پستر زمان، تشیع رفته به مکتب نخست اهالی خراسان بدل گشت.

۶- احساس اخوت و برادری

امام رضا (ع) با برادران دینی خود به برابر رفتار می کرد و می فرمودند: «با برادران به برابری و برادری رفتار کنید و در هر چیزی که برابری در آن رواست» (مجلسی، ۱۳۷۵: ۲۲۷). اخوت و برادری برخاسته از جهان بینی اسلامی است که مایع جهت گیریهای افراد در رفتار اجتماعی، سیاسی، دفاعی، اقتصادی و... است به همین جهت همسان زیستن با محترمان و دوری از اغیانه از جمله مواردی است که به عنوان یک ضابطه و قانون منجر به حرکت های سیاسی، اقتصادی و... در جامعه می شود.

۷- پرورش علمای دین و علم

در سیره عملی امام رضا (ع) تمایزی بین علم و دین نیست او معتقد بوده که این دو مکمل کننده هم‌دیگر هستند به طوری که او به تربیت بزرگانی چون فضل بن شاذان، حماد بن عیسی، اشعری قمی و... پرداخته است که نام همگی آنها در تاریخ ثبت گردیده است «از طرفی تصنیف رساله ذهیبه توسط امام، در سال ۲۰۱ باعث گردید تا جامعه آن زمان را به تکاپو و تحقیق در مسائل علمی وادارد که جدا از عوامل مهم شکوفایی تمدن اسلامی، درسی برای اندیشمندان معاصر در جریان تولید علم بود» (شریعتمداری، ۱۳۶۶: ۱۱۹ - ۱۱۷).

۸- امر به معروف و نهی از منکر

طبق نصیح صریح آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) امر به معروف و نهی از منکر اهمیت ویژه ای دارد. به گونه‌ای که امام علی (ع) می فرمایند: «قوم دین برسه چیز است: امر به معروف، نهی از منکر و اقامه حدود». در کتاب ارشاد ذکر شده است: «علی بن موسی الرضا (ع) در خلوت مأمون را بسیار نصیحت می کرد و از خداوند عزوجل بیم می داد و کارهای خلافی که انجام میداد تقبیح میکرد» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۶۹)، و یا درجای دیگر در سفارش به اصحاب خود می فرمایند: «هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند؛ باید در انتظار عذاب پروردگار باشند» (عطاردي، ۱۴۰۶: ۳۸۲).

الولیین گنگرده ملی تکنرود پژوهش

۳۷ مهر ماه ۱۳۹۳

First National Congress of Religious thought and Research

در جایی دیگر اینگونه آمده است «روزی امام رضا(ع) بر مأمون وارد شد و دید او وضو میگیرد و غلامش به دست او آب میریزد امام رضا(ع) فرمود: ای مأمون هیچ کس را در عبادت خدا شریک قرار نده» (طباطبایی نسب، ۱۳۸۴: ۳۸۸)، و سرانجام همین امر باعث شهادت ایشان گردید.

نتیجه گیری:

پایه و اساس اسلام بر فرآگیری علم و دانش است به طوری که خداوند عزوجل وسائل کسب علم و معرفت و علاقه انسان به تحصیل علم را جهت خروج از جهل و نادانی به انسان نشان میدهد.

هجرت که باعث شکوفایی و توسعه حیات انسانی و اجتماعی می‌شود، امری است که به باور اندیشمندان جامعه‌شناس از آن به تمدن‌سازی تعبیر می‌شود. بر این اساس برخی در رابطه با این موضوع از بکار بردن واژه هجرت در رابطه اما رضا(ع) پرهیز نموده و بعض اصطلاح «تبعد» و یا «انتقال» را بکار می‌برند.

تلاش بی وقفه امام رضا(ع) در تبلیغ و احیای دین و توجه خاص به فرآگیری علم و دانش باعث گردید تا مسلمانان از جمله ایرانیان با بهره گیری از تمدن اسلامی در زمینه‌های مختلف گسترش پیداکنند. بررسی‌ها نشان میدهد که عواملی چون: نهضت ترجمه، پژوهش علمای دین و علم، امر به معروف و نهی از منکر، هشیاری سیاسی و سازش ناپذیری منجر به تقویت علوم گردیده است.

بی‌گمان یکی از مهمترین شواهدی که هجرت امام رضا(ع) را در ذیل اصل اسلامی هجرت قرار می‌دهد، آثار و نتایج تمدن‌سازی بود که بر آن مترب شد. حضور کوتاه‌مدت امام رضا(ع) چنان شرایط و فضای متشتت آن روزگار خراسان را به نفع تمدن مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و باورهای ارزشی تغییر داد که می‌توان گفت سرنوشت جهان اسلام را از لحاظ تمدنی و فرهنگی تغییر داد و تاثیرات شگرفی بر روند فرهنگی و تمدنی خراسان و شرق اسلامی بر جای ن

منابع:

- ۱- ابن منظور، ج، ۱۹۸۸م. لسان‌العرب، ج ۱۵، بیروت: دارالاحیاء التراث العربي
- ۲- اربلی، ع، ۱۳۷۳. کشف الغمه، برگی از تاریخ تشیع دوازده امامی، ج ۲، ترجمه رسول جعفریان، مشهد: آستان قدس رضوی. صص ۳۸۲ - ۳۸۳ .
- ۳- ابن شعبه، ح، ۱۳۶۳. تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه ص ۵۱۳
- ۴- ابن بابویه، م، ۱۳۷۳. عيون اخبار الرضا، ج ۲، ترجمه حمید‌رضا مستفید، علی اکبر غفاری تهران: صدوق. ص ۱۸۱ - ۱۸۳ .
- ۵- جعفریان، ر، ۱۳۷۱. تاریخ تشیع در ایران (از آغاز تا قرن هفتم)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. ص ۱۵۷ .
- ۶- حسینی اصفهانی، ع، (بی‌تا). زندگانی حضرت امام رضا(ع)، ج ۲، بی‌نا.
- ۷- حلیبی، ع، ۱۳۶۵. تاریخ تمدن اسلام، تهران: بنیاد.
- ۸- خواجه‌یان، م، ۱۳۷۶. تاریخ تشیع، ج ۴، مشهد: جهاد دانشگاهی ص ۱۱۰
- ۹- دورانت، و، ۱۳۸۲. تاریخ تمدن، تهران: علمی - فرهنگی.
- ۱۰- زارعی، ا، ۱۳۸۵. مقایسه تمدن اسلام و غرب، قم: طهارت.
- ۱۱- سپهانی نژاد، م، نوروزی، م، ۱۳۸۸. «پایگاه علمی حضرت رضا(ع) در اصلاح و شکوفا سازی دوران خود»، فصلنامه مشکوه، شماره ۱۰۵، ص ۳۰ - ۵۱ .
- ۱۲- سروش، ع، ۱۳۷۵. فلسفه تاریخ، تهران: حکمت.
- ۱۳- سید‌کباری، ع، ۱۳۸۰. «نقش امام رضا در فرهنگ و تمدن اسلامی»، ماهنامه راوش، ش ۲.

الولیین گنگرہ ملی تکفیر و پژوهش

First National Congress of
Religious thought and Research

- ۱۴- شریعتمداری، ع، ۱۳۶۶. «ویژگیهای حضرت رضا (ع)»، مجموعه آثار دومین گنگره حضرت رضا (ع).
- ۱۵- شریعتی، ع، ۱۳۴۷. اسلام‌شناسی، مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد.
- ۱۶- شریعتی، ع، ۱۳۸۹. هجرت و تمدن، تهران: چاپخانه حیدری.
- ۱۷- طباطبائی نسب، سید م، ۱۳۸۴. چشمی‌های معرفت، بررسی سیره و زندگانی چهارده معصوم (ع)، تهران: مؤسسه فرهنگ نورالائمه (ع).
- ۱۸- طریحی نجفی، ف، ۱۳۶۷. مجتمع‌البحرين، ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۹- عطاردی، ع، ۱۴۰۶. مستندالامام رضا (ع)، مشهد: آستان قدس.
- ۲۰- عارفی مزاری، غ، ۱۳۶۸. جهاد و هجرت در اسلام، قم: مولف.
- ۲۱- عاملی، جعفرم، ۱۳۶۸. زندگانی سیاسی امام رضا (علیه السلام)، ترجمه خلیل خلیلیان، تهران: کنگره جهانی حضرت امام رضا. ص ۱۴۴
- ۲۲- عبدالخدایی، م، (۱۳۸۶/۹/۱)، هجرت امام رضا رسانه‌ای برای ترویج تشیع، روزنامه قدس.
- ۲۳- علوی، س، ۱۳۷۹. امام رضا(ع) در رزمگاه ادیان، قم: مسجد جمکران.
- ۲۴- قرآن مجید، ۱۳۸۷. ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی، قم: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر.
- ۲۵- مجلسی، م، ۱۳۷۵.. بحار الانوار، ج ۴۹، تهران: اسلامه. ص ۴۹۰ و صدوق پیشین، ج ۱۴۹.
- ۲۶- محرومی، ۱۳۸۵. «مصاحبه با عنوان: امام رضا و اعتلای بیشی و عقلانی جامعه»، مجله اندیشه نو، ویژه نامه امام رضا(ع).
- ۲۷- مفید، م، ۱۴۱۳. الارشاد، قم: کنگره شیعی مفید.
- ۲۸- مطهری، م، ۱۳۶۲. هجرت و جهاد، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ۲۹- مطهری، م، ۱۳۷۸. یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۷، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۰- نجاشی، ا، ۱۴۰۷. رجال‌النجاشی، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ۳۱- ۱۳۷۹ نهج‌البلاغه، ترجمه محمود افتخارزاده، تهران: نشر روزگار.
- ۳۲- هاشم زاده هریسی، ه، (۱۳۸۳/۲/۸)، هجرت رسول خدا(ص) پیامدها و پیام‌های آن، روزنامه صدای عدالت.
- ۳۳- همایون، م، ۱۳۸۵. مصاحبه با عنوان: هجرت امام رضا به ایران و تاثیرات آن بر انقلاب اسلامی، مجله اندیشه نو، ویژه نامه امام رضا(ع).